

روزهای فراموش شده مدرس

و ارحام ذوی الحقوق (که تقریباً در خواب از من درخواست می کردند) می شدم.

۲. زیارت عاشورا بعد از نماز قضا.

۳. سپس هفت و گاهی چهارده مرتبه چهار قل [سوره‌هایی که با «قل» شروع می‌شوند] می‌خواندم و در گوشه‌ای به مناجات مشغول می‌شدم و هزار دفعه استغفار می‌کردم.

۴. پس از فراغت از استغفار، در حال قدم زدن مشغول آیات خمسۀ اول سورۀ بقره می‌شدم، تا ظهر به هر اندازه که بشود، و خاطر ندارم که هیچ روزی کمتر از یکصد مرتبه شده باشد. بعد از آن مشغول ادای فریضه شده پس از صرف نهار می‌خوابیدم.

۵. عصر به ختم صلوات اشتغال می‌روزیدم. هر روزی یک هزار صلوات برای یکی از چهارده معصوم هدیه می‌نمودم؛ و شکر خداوند را به جای می‌آوردم در این موفقیت.

۶. پس از صلوات یکصد مرتبه ذکر «ماشاءالله کان و ما لم یشاء...» را که موضوع بعضی افکارم بود در حال قدم زدن، با تأمل می‌خواندم.

۷. توسل. هر اندازه وقت تا مغرب بود به امام زمان عجل‌الله فرجه توسل جسته «یا مولای، یا صاحب‌الزمان...» این ذکر را مکرر می‌کردم در حال قدم زدن تا مغرب، هر قدر ممکن می‌شد. مغرب اذان و اقامه گفته و فریضه را به جا می‌آوردم با تعقیب و زیارت مختصر.

۸. هزار مرتبه «امن یجیب...» در حال قدم زدن

نمی‌دانم تاکنون به خواب سفر کرده‌اید یا نه. وقتی به جغرافیایی که خواب در آن واقع است وارد می‌شوید، جز بیابان برهوت و زمین خشک، چیزی نمی‌بینید. هر چه هست خشکی هواسست و زمین و زمین! در این برهوت، وجود روستاها و شهرهایی چند، به حیرت‌تان می‌اندازد... خواب از جمله این آبادی‌هاست با جمعیتی اندک، مردمانی سوخته از آفتاب و خشونت طبیعت. از خود می‌پرسید این مردم در چنین جغرافیایی چگونه طاقت آورده‌اند.

مرحوم مدرس به این منطقه تبعید شد. او را صدها کیلومتر از شهر و دیارش، از دوستان و آشنایانش و از فرزندان و خویشانش دور کردند تا تنها و غریب در جایی به‌سر برد که مونس و همدمش تنها زندان‌بانش باشد. او آنجا بود تا مظلومانه شهیدش کردند. او ۹ سال و ۱ ماه و ۲۴ روز پایان عمرش را در آنجا گذراند.

اکنون ببینیم شهید مدرس در این مدت چه می‌کرد. اگر از ما بخواهند یک هفته در خواب به‌سر بریم از خود می‌پرسیم چه کنیم تا در این هفت روز حوصله‌مان سر نرود! سؤال اینجاست که شهید مدرس در مدت ۹ سال و اندی چه می‌کرد! به شما بگویم که آن مرحوم برای فعالیت‌های روزانه‌اش در آن چهاردیواری زندان وقت کم می‌آورد!

مدرس پس از حبس، تصمیم گرفت ۱۲ ساعت از شبانه‌روز را به عبادت بگذراند! او اعمال و اذکار مدت حبس خود را این‌گونه شرح می‌دهد:

۱. بعد از نماز صبح مشغول نماز قضا برای خود و والدین



می‌گفتم که هر دوازده شب یک ختم کامل شود. ۹. در گوشه‌ای مثل قبل از ظهر مشغول مناجات شده، است. داشته است. مطالب این بخش پسند خاطر اهل تاریخ

۲. شرح جزئیات اعمال عبادی، افکار و ادعیه و راز و نیازهای او با خدا، همراه با نقل آیات، احادیث و ادعیه‌ای که به ذکر آنها اشتغال شبانه‌روزی داشته است. این بخش بر ذائقه اهل ذکر عبادت بس شیرین و گوارا است.

۳. تقریر درس‌های خودشناسی، انسان‌شناسی، هستی‌شناسی و خداشناسی در سه دفتر مفصل. این بخش مطلوب اهل حکومت، کلام و عرفان است.

مجموع این سه بخش، گذشته از موارد پیش‌گفته، از جنبه ادبیات «حبس‌نامه‌نویسی» نیز قابل توجه است. به عبارت دیگر، گنجینه خواب از این حیث از برجستگی خاصی برخوردار است.



بعد از آن هزار دفعه استغفار کرده منفرداً یا مجتمعاً با مأمورین نشسته مشغول خوردن چای و امثال آن شده و در ضمن در تدارک شام می‌شدیم. غالباً در حدود پنج الی شش از شب گذشته دراز کشیده و اعمال خواب را از قبیل شهادتین و استغفار و غیرهما به‌جا آورده و حساب روز را می‌کردم و در بعضی از اوقات مشغول ذکر «رب انی...» می‌شدم تا خواب مرا برآید!

این خلاصه برنامه عبادی مرحوم مدرس بود. تفصیل آن را علاقه‌مندان باید در کتاب گنجینه خواب بخوانند. گنجینه خواب چیست، گنجینه خواب مجموعه یادداشت‌های روزانه مرحوم مدرس در دوران تبعیدش است.

این یادداشت‌ها البته فقط بخشی از سرگذشت وی در این ۹ سال و اندی است. چگونگی و سرنوشت این دست‌نوشته‌ها را دکتر نصرالله صالحی مصحح و ناشر گنجینه خواب در مقدمه کتاب شرح داده است. در هر حال یادداشت‌های ایام حبس شامل سه قسمت اصلی بوده است:

۱. خاطرات روزانه ایام حبس که در لابه‌لای آن به حوادث و وقایع تاریخی هم‌عصر خود نیز اشارات گذرا

پی‌نوشت‌ها

۱. گنجینه خواب، مجموعه درس‌ها و یادداشت‌های روزانه شهید سیدحسین مدرس در تبعید، به کوشش دکتر نصرالله صالحی، تهران، طهوری ۱۳۸۵، صص ۸۰-۷۷ با تلخیص ۱۸. همان، ص ۱۸.